اسفار کتابان-۱

روایت نویسنده: **محمود دولت‌آبادی**

بحران نثر فقط اقتصادی نیست

وضعیت نثر در ایران به سمت ناممکن شدن انتشار کتاب پیش می‌رود و این بیش از هر چیز عملی است که کام‌بابیان و مسوولان فرهنگ و این در حقیقت یعنی خاموشی نویسندگان. در این وضعیت حتی بحران نشر، تاثیری بر افزایش کیفیت کتاب‌ها هم نخواهد داشت. حتی آن زمان‌که وضعیت اقتصادی اینگونه نبود، به دلیل شرایط ممیزی، بسیاری از کتاب‌ها امکان انتشار نداشتند. اما شرایط پیش‌آمده هم کیفیت ظاهری کتاب‌ها را کاهش داده و هم محتوای کتاب‌ها را تقلیل داده است. بعنازگی کسانی دیده یا کافه‌های روهنی و کیفی‌ای، نوسنده به دو دهه زحمت نداده بود حتی یکبار قبل از انتشار کتاب را بخواند. شعری ایرانی با غلط فاحش در کتاب چاپ شده بود و نوسنده متوجه نشده است. ضمن اینکه نیراز کتاب‌ها هم بضدت کاهش یافته و کتاب‌های چاپ شده دیگر دیده نمی‌شوند. مایه تاسف است که کتابی مثل «همیشه برای همیشه» که محصرنا خاکی، به فارسی ترجمه کرده است امید داشته نمی‌شود با نمایشنامه‌ای با ترجمه مترجم چیردست ما، عبدالله کوثری، در هزار نسخه منتشر می‌شود. ما دست‌کم ۱۰ هزار هنرجو هنریشه و کارورز... تئاتر در کشورمان داریم و این یعنی نیراز نمایشنامه‌ها حداقل باید ۱ هزار نسخه باشد. اما این نیراز قبل نشانه این است که حتی اهالی تئاتر هم نمایشنامه‌هایشان چاپشده را نمی‌خوانند. این‌قدر شرایط کار برای بچه‌های تئاتر دشوار شده و این‌قدر که نوق دوق این چیزها خوده که دیگر غمی‌برای خواندن نمایشنامه‌هایاقی نشده است. زمانی که اهالی تئاتر نمی‌توانند کارهایشان را روی صحنه ببرند، تمام شوقشان از بین می‌رود یا خود می‌گویند وقتی امکان اجرا نداریم برای چه باید نمایشنامه بخوانیم؟ و این مساله فقط گفتاری نیست، بلکه به واکنش روانی تبدیل شده است. این شرایط ناشران را به سمت تکه به بازار می‌کشاند. که این موجب کتاب‌سازی می‌شود. چندی پیش جلسه‌ای با من تماس گرفت و اصرار داشت که باید حضوری من را ببیند، او را دیدم. گفتم: «چه کاری از من ساخته است؟» گفت: «من نویسنده‌ام اخیرا کتابم را برای انتشار پیش ناشر بردم، ناشر می‌گوید حجم کتاب را بالای ۵۰۰ صفحه برسان تا کتابت چاپ شود!» این یعنی ابتذال. این نکبت‌بارترین اتفاقی است که ممکن است در روند تالیف و انتشار کتاب پیش بیاید. کتاب باید در روندی معقول تالیف و منتشر شود اما امروز این‌طور نیست، من نمی‌توانم این وضعیت را توجیه کنم. بحران نشر امروز باعث شده مسائل اقتصادی بسی بیش از مدتی وجه اجتماعی هم پیدا کند و در نهایت به مساله روانی بدل شود- همان‌طور که در وضعیت کتاب‌های تئاتری شاهدیم. واکنش روانی‌مان در برابر وضعیت نشر ایران می‌بینیم. علاوه بر اینها مساله تعلیق ناشران است از جمله انتشارات چشمه که بیش‌تر آثار من در آنجا محبوس مانده و خیلی عالمی بدانم این تعلیق چیزا صورت گرفته و کی برداشته می‌شود. من انتظار دارم که آقایان حوزه فرهنگ، به جای ارایه آمار در تلویزیون، یکبار کلاه خود را قاضی کرده و به جامعه و نیازهای اجتماعی روی منافع فکر کنند.

روایت مترجم: **کاوه میرعباسی**

نگاه معطوف به بازار

مساله گرانی کاغذ که از مسایل این روزهای نشر مانست، نه‌تنها بر قیمت نهایی کتاب‌ها تاثیر مستقیم داشته بلکه بر کیفیت محتوایی کتاب‌ها نیز از گذاشته است و این امر بر تنگاه معطوف به بازار در تولید کتاب‌ها افزوده است. به عبارتی نوعی وسواس در تولید کتاب به وجود آمده، اما این وسواس موجه به کیفیت کتاب‌ها نیست بلکه مربوط به بازار فروش کتاب است. البته هر قاعده‌ای استثنایی هم دارد و نمی‌توان به طور مطلق در این باره نظر داد. اما به‌طرحال رسک‌پذیری ناشران کاهش یافته و مساله هم این است که اغلب کتاب‌های ارزنده رسک بالایی برای انتشار و فروش سریع دارند. در این وضعیت پروژه‌های درآمدت و کتاب‌های جنجیه کمتر منتشر می‌شوند و ناشران ترجیح می‌دهند کتاب‌هایی را منتشر کنند که از فروششان مطمئن باشند. محاسباتی که برای قیمت یک کتاب صورت می‌گیرد با توجه به وضعیت پرنوسان کاغذ دشوار شده است. در حال حاضر قیمت کتاب صفحه‌ای ۴۰تومان باشد. شش ماه بعد دیگر خبری از این قیمت‌ها نیست. ملاک‌بین توجه‌های من جلد اول ترلوژی «مک کارتی» با نام «همه اسب‌های ایران» در زمستان ۹۰ و جلد دوم آن، «گزاله» در زمستان ۹۱ منتشر شد. این دو اثر از نظر حجم و ظاهر تقریبا مشابه یکدیگرند اما اولی با قیمت ۱۱هزارتومان و دومی با قیمت ۲۲هزارتومان به بازار عرضه شد؛ یعنی در فاصله یکسال قیمت کتاب رشد صدبرابری داشته و با این شرایط، خرید کتاب برای ما مشکل مواجه می‌شود. پس ناشران مجبورند در انتشار کتاب‌ها کمتر رسک کرده و نیراز بسیاری از کتاب‌های مهم را کاهش دهند این پرسشی است که تیراز مارا چاپ شده است. با حدود ۵۰۰ نسخه برای یک جمعیت ۷۵میلیونی چه معنایی دارد؟ درحالی‌که من و جند کتابفروش شنیدیم که فروش کتاب‌های عامه‌پسند همچنان مثل سابق است و گرانی کتاب‌ها تاثیری بر فروش آنها نداشته. احتمالا خوانندگان این‌دست کتاب‌ها از قشر مرفه‌تری هستند و افزایش قیمت‌ها اهمیتی برایشان ندارد و از سوی دیگر اقشار فرهیخته که مخاطبان کتاب‌های جدی‌ترند، وضعیت اقتصادی مناسبی ندارد و افزایش قیمت کتاب، قدرت خرید آنها را کاسته است! در این بین بی‌تک نگاه به بازار در بین مولفان و مترجمان کتاب هم به وجود خواهد آمد. مثال گذشته چهار ترجمه از من منتشر شد که همگی با فروش بد یا بسیا متوسط مواجه بود این مساله برای من تکان‌دهنده بود. ناگزیر شدم ناخواسته در انتخاب‌هایم تجدیدنظر کرده و در آینده به کیفیت دیگری عمل کنم. از قضا این چهار کتاب از نظر مطرح و مهم‌ارزیابی چهاراند: «قلعه اورانیوم» و «البوم این عالم» کاریلتیه - که یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات آمریکای لاتین و ادبیات سوررئال است - «گذرگاه» مک کارتی و رمان «صحبت شوم» فرناسو موریاک که این اخری اصلا دیده نشد. درحالی‌که موریاک نویسنده‌ای ماحسبب و برنده نوبل ادبیات است و «صحبت شوم» از شاهکارهای او به شمار می‌رود. مطمئنم که تاثیر این دست انتخاب‌ها را در ترجمه‌های جدیدی که در سال‌های پیش رو منتشر می‌شوند خواهیم دید.

متون نظری

«کافکا» به‌سوی یک ادبیات خرد، جامعه‌شناسی تئاتر، ذهن روسی در نظام شوروی و...

سایه‌های نظریه

از کتاب‌های منتشرشده در زمینه ماحسب فلسفی هنر و ادبیات که به نمایشگاه امسال رسیده‌اند می‌توان به چند کتاب ترجمه و یک کتاب تالیفی اشاره کرد که یکی از آنها «کافکا: به‌سوی یک ادبیات خرد» ژیل دلوز و فلیکس گتاری است که با ترجمه رضا سیروان و نسترن گوران از طرف انتشارات رخداد نو منتشر شده است و این همان کتابی است که فصل سوم آن سال‌ها پیش با عنوان «ادبیات اقلیت چیست؟» با ترجمه بابک احمدی در کتاب «گرگسنگی نشانه‌ها» (زمینه و ویرایش ملی حقیقی) چاپ شده بود. دلوز و گتاری فصل اول کتاب را با عنوان «محتوا و بیان» به این پرسش آغاز می‌کنند که «چگونه می‌توانیم به اثری از کافکا وارد شویم؟» و این بحث را با ماوگرفتن از او و راجع به تمثیل‌های خود کافکا در قصر و آمریکا و محاکمه و دیگر آثارش پی می‌گیرند. کافکا بسوی یک ادبیات خرد ۹ فصل دارد با عنوان‌های «محتوا و بیان، ادبیی بسیار بزرگ، ادبیات خرد چیست؟ اجزای تشکل‌دهنده بیان، خودماندگاری و میل، تکثیر سرسام‌آور اتصال‌دهندها، بلوک‌ها، سرها، شدت‌ها و سر - همزیدی سه‌گانه و فیلمنامه» دارد. این کتاب را نشر ماهی از طرف نشر ایرانی، اسال یک رمان از حامد اسماعیلیون منتشر شده به نام «کرنگ دانیس» که ناشر آن «کرنر زلوش» است. روی این رمان دندانپزشکی است که مطب دارلهش را در حاشیه تهران دایر کرده و رمان با ورود روی به جایی که مطب در آن واقع است آغاز می‌شود.

ادبیات ایران

درخت ارغوان، دکتر داتیس و تربو تهران

اما معلوم نیست دقیقا کجاست

اگر نامه‌هایی از پراگ «بروبز دولایی» را که اسال با عنوان «درخت ارغوان» از طرف انتشارات «جهان کتاب» منتشر شده، برخلاف تاکید خود نوسنده در مقدمه کتاب در زمره تاریخ ادبیات ایران می‌آوریم، به این دلیل است که هر متن مکتوب را وقتی از حالت خصوصی بیرون می‌آید و عمومیت پیدا می‌کند، می‌توان به عنوان جزیی از تاریخ ادبیات و نوشتار ادبی خواند. درخت ارغوان، چنان که دولایی هم در مقدمه کتاب نوشته، مجموعه‌ای است از نامه‌هایی که بعضی از آنها بیش‌تر در نشریاتی از جمله جهان کتاب منتشر شده. در بعضی از این نامه‌ها ردپای میان خیال‌های پراگ و منظره‌هایی از تهران قدیم در رفت و برگشت است. مثل آنجا که دبیار از میوه کاکلا و برخود با هموظنی که سخت شیفته کافکاست اما توجه هدایت از «مسخ» و مقاله «پیام کافکا» اثر و ارنخواند، نوسنده را می‌برد به سال‌های پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و نخستین آشنایی‌اش با کافکا در گیرودار زد و خوردهای تظاهرکننده‌های چپ و قوای نظامی. «... نظاهرات درگرفت و ناگهان به مقابله با خلایق به میدان آمد و در حمله به جماعت ریزش کرد. آن کسی که پیادهرو و کیوسک چه شد و کتاب و بساط ولو شد وسط خیابان و ملت که رد می‌شدند گاهی دست می‌کردند و برمی‌داشتند. از جمله پسرکله گرامی ما که راهش از آنجا می‌گذشت کتابی را همین‌طوری تصادفی برداشته و با خود آورده بود که به محل فرار که رسید داد به ما که بخوانیم یا ما می‌دانستیم که نام کافکا و کتاب مسخ از طرف ایران برایی اسال یک رمان از حامد اسماعیلیون منتشر شده به نام «کرنگ دانیس» که ناشر آن «کرنر زلوش» است. روی این رمان دندانپزشکی است که مطب دارلهش را در حاشیه تهران دایر کرده و رمان با ورود روی به جایی که مطب در آن واقع است آغاز می‌شود.

ادبیات جهان

ظلمت در نیمروز، گذرگاه، امستردام و...

از غم بال در آوردن

تازه‌ترین رمان خارجی ترجمه در نمایشگاه کتاب امسال، ترجمه دوباره مژده دقیقی از رمان سیاسی مشهور «ظلمت در نیمروز» آرتور کوستلر است. رمانی که در آن کوستلر به پرده از چپ به نقد کمونیسم پرداخته است. ظلمت در نیمروز همان‌طور که مترجم در مقدمه‌اش بر این ترجمه تازه نوشته، پیش از این چهارباره فارسی ترجمه شده است. دقیقی در بخشی از این مقدمه، پی‌گیر این از اشاره به ترجمه‌های متعدد این رمان به فارسی، در بیان اهمیت ظلمت در نیمروز در ایران به منظره قلمبرای استنای می‌کند که در سال‌های ۶۱ و ۶۲ در نقد آگاه منتشر شده: «ناظرهای که واکنشی بوده است به مقاله‌ای از «خبث دریاندری» درباره «ظلمت در نیمروز» و چند اثر دیگر کوستلر. بزرگراه آزادگان راهی است که اما معلوم نیست دقیقا کجاست. پس به هر تازه‌ورادی که می‌خواهی نشانی بدهی، باید بگویی هرچه‌دیدی جز در خت بلند سپیدار مدن دود و همهمه بیداست از بین کامیون‌های غول‌پیکر و نعش‌کش‌های بهشت‌زهرا خودت راجعت بده و بپیچ» از دیگر آثار دانستنی ایرانی اسال منتشرشده، یکی هم «تربو تهران» رضیه انصاری است که نشر آگاه آن را منتشر کرده است. تربو تهران سه فصل دارد و در هر فصل آن، زنی قهرمان داستان است و فصل‌ها به نام این زن‌ها نامگذاری شده‌اند. زن‌هایی که از زمینه یک من بیشین کشته شده و در تهران، بازنویسی شده‌اند. چنان‌که در ابتدای هر فصل، نوسنده توضیح داده است که آن فصل را با نگاه به چه متنی نوشته است. فصل اول، با عنوان عایشه، با نگاه به فیلمنامه «شنقا» بهرام بیضایی نوشته شده. فصل دوم به نام منیژه با نگاه به قصه «آرامش در حضور دیگران» غلامحسین ساعدی و سالومه که فصل سوم نام او را به خود گرفته، نام ایرای ریشارد اشتراوس است که برای سه سازو سه صدای سوپرانو نوشته شده.

نمایشنامه

لابیرنت، مگس‌ها، رستم و سهراب، در کار رفتن، دیوبندان و...

خوانش دراماتیک شاهنامه

در زمینه ادبیات نمایشی، اسال نشر قطره دو نمایشنامه از مجموعه «جلماندها» منتشر کرده است. یکی هیر پیت دوران» نوشته زان زیرودو و ترجمه عبدالله کوثری و دیگری «لابیرنت» نوشته فرناندو آرابال و ترجمه شیرین حسین‌زاده رهور. دیر مجموعه جلماندها نامه نمیتی است اون مجموعه به نمایشنامه‌هایی مهم تاریخ تئاتر اختصاص دارد که با وجود اهمیتشان هنوز ترجمه نشده‌اند و به قول نامه نمیتی در مقدمه مجموعه «از سر ترجمه‌های متون نمایشی جلماندها»- در پایان نمایشنامه لابیرنت گفتوگوی مترجم آن اثر با فرناندو آرابال هم منتشر شده و همچنین نوشتای از مترجم درباره آرابال و آثار او و نمایشنامه پیر پیت دوران» هم ایرادا رجمندی موخرای اتود» از جلماندها که بگذریم، «مگس‌ها» و «مردهای بی‌کفن و دفن، هر دو از ژان پل سارتر و ترجمه قاسم صنعوی، از دیگر نمایشنامه‌های تازه منتشر شده است. در آغاز هر دو نمایشنامه به جای مقدمه، بخش‌هایی از خاطرات سیمون دوبوار که مربوط به این دو نمایشنامه است، آمده. مگس‌ها و مردهای بی‌کفن و دفن، از انتشارات تلاش طرف انتشارات فرهنگ نازا منتشر شده و دیگری «هوست مادام مگره» که با ترجمه علس آگاهی در مجموعه کتاب‌های پلیسی «قتاب» انتشارات جهان کتاب منتشر شده است. کاله لیبرتی، ماجرای قتل مردی است که از پشت چاقو خورده و کمسر مگره باید آرد از معمای قتل اوباز کند. در دوست مادام مگره‌نیز، کمیسر مگره به کمک همسرش شبکه‌ای تبهکار را به دام می‌اندازد. نشر مرکز نیز اخیرا مجموعه داستانی از گوتفرید کلر - نوسنده سویسی اواخر قرن نوزدهم - منتشر کرده است. مجموعه داستانی به نام «مردم سلدویلا» که مترجم آن علی عبدالالهی است. داستان‌های این مجموعه در شهری خیالی به نام سلدویلا می‌گذرد. شهری که مردمش در جشن و سرخوشی مستمند و در زندگی روزمره دست و پا چلفتی‌اند.

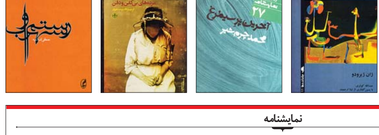

کودک و نوجوان

نیکلا کوچولو، دفترچه خاطرات یک بی‌عرضه و...

مجرم کسی است که دستش را بشوید

از تازه‌ترین کتاب‌های کودک و نوجوان در نمایشگاه کتاب امسال، پیش از همه باید به مجموعه «نیکلا کوچولو»ی رنه گوسینی و ژان ژاک سامپه اشاره کرد. مجموعه نیکلا کوچولو، از کارهای مشهور گوسینی- کمیک استریپ‌بوس و آیبیش‌ار مشهور و یکی از خالقان لوکخوش‌شانس- و سامپه- تصویرگر مشهور فرانسوی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی- است. نیکلا کوچولو، ماجراهای طنزآمیز یک پسربچه دبستانی به نام نیکلا است و روایی داستان‌ها هم خود اوست. در یکی از داستان‌های این مجموعه، پسر نیکلا به خاطر شیطنت‌هایش در حیاط مدرسه، به سزای شاهنامه رفته است. اخرین پر سیمرغ/ اثر دیگر پر سیمرغ در مقدمه آن نوشته، برای اجرا توسط دبتر کومل و گوهرشن، مارین بلا، که آرزوی ساختن نمایشی از روی قصه‌های شاهنامه را داشته‌اند، نوشته شده است. از چرمشیر علاوه بر آخرین پر سیمرغ، نمایشنامه «دیوبندان» نیز از نوشته است. از جلماندها که بگذریم، «مگس‌ها» و «مردهای بی‌کفن و دفن، هر دو از ژان پل سارتر و ترجمه قاسم صنعوی، از دیگر نمایشنامه‌های تازه منتشر شده است. در آغاز هر دو نمایشنامه به جای مقدمه، بخش‌هایی از خاطرات سیمون دوبوار که مربوط به این دو نمایشنامه است، آمده. مگس‌ها و مردهای بی‌کفن و دفن، از انتشارات تلاش طرف انتشارات فرهنگ نازا منتشر شده و دیگری «هوست مادام مگره» که با ترجمه علس آگاهی در مجموعه کتاب‌های پلیسی «قتاب» انتشارات جهان کتاب منتشر شده است. کاله لیبرتی، ماجرای قتل مردی است که از پشت چاقو خورده و کمسر مگره باید آرد از معمای قتل اوباز کند. در دوست مادام مگره‌نیز، کمیسر مگره به کمک همسرش شبکه‌ای تبهکار را به دام می‌اندازد. نشر مرکز نیز اخیرا مجموعه داستانی از گوتفرید کلر - نوسنده سویسی اواخر قرن نوزدهم - منتشر کرده است. مجموعه داستانی به نام «مردم سلدویلا» که مترجم آن علی عبدالالهی است. داستان‌های این مجموعه در شهری خیالی به نام سلدویلا می‌گذرد. شهری که مردمش در جشن و سرخوشی مستمند و در زندگی روزمره دست و پا چلفتی‌اند.

اسفار کتابان-۲

روایت نویسنده: **ایوتراب خسروی**

کتاب‌هایی که خوانده نمی‌شوند

مساله اقتصادی که این روزها دامنگیر نشر ایران شده بر قیمت کتاب و مسایل فنی آن تاثیر گذاشته است. در چنین شرایطی ناشران طبیعتا دچار دلواپسی گرانی کاغذ و محبول بودن وضعیت فروش کتاب، آثاری را انتخاب می‌کنند که فروش‌شان مسلم باشد. اما این فقط بحثی از مساله است و بخش دیگر این است که بسیاری از نویسندگان ما با وجود همه تلاش‌هایشان امکان برقراری ارتباط با مخاطب را ندارند. چرا که فرایند انتشار کتاب دشوارتر از پیش شده و نویسندگان ما بخشی از امکانات پیشین خود را از دست داده‌اند. آثار نویسندگان باسابقه در دایل موقع موجود کمتر منتشر می‌شود و نویسندگان جوان نیز کتاب‌های‌شان دیده و خوانده نمی‌شود. حالا اگر این مشکلات اقتصادی حل شود همچنان باید به مسیر اصلی برگردد و بخشی از گره کور کار نشر باز شود. افزایش قیمت کتاب‌ها با توجه به وضعیت اقتصادی، شرایطی را پیش آورده که توانایی مردم برای خرید کتاب کمتر شده و ناشران مجبورند کتاب‌هایی را چاپ کنند که دست‌کم از انتشارشان ضرر نکنند.

طبیعی است وقتی یک کتاب ۱۵۰ صفحه‌ای ۱۰ یا ۱۲هزارتومان باشد، آثار نویسندگان جوان که شناخته‌شده نیستند، هرقدر هم که خوب باشند، خریده و خوانده نمی‌شود و فروش این آثار با شکست روبه‌رو می‌شود. در نتیجه ناشران ناگزیر می‌شوند به چاپ آثاری روی آورند که دورنمای بازار فروش‌شان روشن‌تر باشد. در این بین سوال اصلی اینجا است که آثار نویسندگان جوان در چه فرایندی باید خوانده و دیده شوند؟ نویسنده جوان نیازمند این است که کتاب‌هایش خوانده و نقد شود اما وقتی برای انتشار و فروش کتابش با این موانع روبه‌روست، تجربه‌ای را به چاپ نوشتن این کتاب در بدترین شرایط پس از ۵۰ تا ۷۰درصد افزایش داشته که به نظر من نسبت به تمام کاغذها کمترین نوسان را به خود دیده، البته دلیل آن هم نداشتن توان خریداران و رعایت حال آنان بوده است.

اجرای در اختیار نداشتن هزینه تولید کتاب، وسوالی برای انتشار کتاب‌های بهتر به وجود آمده یا نه؟ اما حداقل در موسسه خودمان با جرات می‌گویم که این مساله تاثیر گذار بوده و ما را در انتخاب کتاب و کیفیت تولید حساس‌تر کرده است. تردیدی هم ندارم که در دوران مدیریت نامساعد به سراغ کتاب‌هایی خواهند رفت که بازار مصرف مناسب داشته باشند و البته مفهوم این مصیبت تولید کتاب با کیفیت محتوایی مستاز نیست. اما به هرحال بعید است ناشر حرفه‌ای برای گاهش هزینه‌های تولید، امور ضروری انتشار مثل ویراستاری را حذف کند. چراکه ویراستاری از اجزای جدایی‌ناپذیر نشر حرفه‌ای است و با حذف آن، بخشی از استاندارد کتاب از بین خواهد رفت.

روایت ناشر: علیرضا رییس‌دانایی

اختلال در شرکت

گرانی کاغذ این روزها شرایط تولید را مختل کرده است. با گرانی ارز و نوسان آن در بازار و محدودیت‌های تجاری ایران با دیگر کشورها، کاغذ هم گران شده و هم در چرخه دلالی قرار گرفته است. به همین دلیل فاقد ثبات قیمت و نوسان بهای کاغذ اختلال در تولید کتاب می‌شود. چون کاغذها از چاپ‌های مختلف وارد می‌شوند کیفیت‌های متفاوتی هم دارند. ناشران برای صرفه‌جویی در مصرف کاغذ کتاب‌ها را حروف ریزتری می‌چینند تا صفحات کمتری را در برگیرد. همه این شرایط تولید کتاب را دچار اختلال کرده است. ناشران کوچک نیز سرمایه‌گذاری خود را از دست می‌دهند و هر روز از دامنه کارشان کاسته می‌شود و در این شرایط به‌طور طبیعی کل انتخاب کتاب و سرمایه‌گذاری برای چاپ آن دچار بیشتری اختلال می‌شود. ناشران حرفه‌ای که توان مالی خود دارند قدرت گذر از این بحران را خواهند یافت ولی در این بحران بسیاری از ناشران کوچک از گردونه نشر بیرون می‌روند در این شرایط، تیراژ کتاب‌های منتشرشده هم کاهشی قابل توجه می‌یابد.

این روزها حتی شاهد تیراژ صدنسخه‌ای هم هستیم، با رسوگرافی حال‌ما نمی‌توان تیراژ کمتری چاپ کرد. به نظر هم امری منطقی است. کتاب کیمیصرف چرا باید تیراژ ثابت هزار و دوهزار را داشته باشد؟ اما از آنجا که موسسات بزرگ نشر هزینه‌های بالایی دارند، کاهش تیراژ باعث سرشکن‌شدن هزینه‌ها در تعداد کمتری نسخه کتاب می‌شود و همین قیمت کتاب را افزایش می‌دهد.

اعتراض به گرانی همواره ضعیف‌ترین حلقه‌های اقتصادی را آماج خود قرار می‌دهد. گرانی مایحتاج اولیه زندگی که در جریان یک‌سال گذشته تا سه‌برابر شده، توان اداره زندگی را سخت کرده و جب مردم نمی‌توانند به قیمت کوشت، سیب‌زمینی و مواد پیه‌دانستی اعتراض کنند. اما کتاب که چندان هم خوانده نداره وقتی به افزایش قیمت رومه‌رو می‌شود، مورد اعتراض قرار می‌گیرد. قیمت کاغذ در عرض کمتر از یکسال بین ۳ تا ۴برابر افزایش یافته است اما ناشران نیز به چنین افزایشی ندادهاند و قیمت‌گذاری کتاب در بدترین شرایط بین ۵۰ تا ۷۰درصد افزایش داشته که به نظر من نسبت به تمام کالاها کمترین نوسان را به خود دیده، البته دلیل آن هم نداشتن توان خریداران و رعایت حال آنان بوده است.

اجرای در اختیار نداشتن هزینه تولید کتاب، وسوالی برای انتشار کتاب‌های بهتر به وجود آمده یا نه؟ اما حداقل در موسسه خودمان با جرات می‌گویم که این مساله تاثیرگذار بوده و ما را در انتخاب کتاب و کیفیت تولید حساس‌تر کرده است. تردیدی هم ندارم که در دوران مدیریت نامساعد به سراغ کتاب‌هایی خواهند رفت که بازار مصرف مناسب داشته باشند و البته مفهوم این مصیبت تولید کتاب با کیفیت محتوایی مستاز نیست. اما به هرحال بعید است ناشر حرفه‌ای برای کاهش هزینه‌های تولید، امور ضروری انتشار مثل ویراستاری را حذف کند. چراکه ویراستاری از اجزای جدایی‌ناپذیر نشر حرفه‌ای است و با حذف آن، بخشی از استاندارد کتاب از بین خواهد رفت.

● مدیر موسسه انتشارات نگاه

شعر

پازولینی، لورکا، احمدرضا احمدی، جواد مجابی، علی باباچاهی، نازنین نظام‌شهیدی و...

شاعربودن وقت زیادی می‌خواهد

«روی دریا فقط یک قایق کاغذی مانده است» و «از بازی که در باریه» عنوان‌های دو کتاب شعر «احمدرضا احمدی» است که اولی از طرف کتاب «ثمر ناب» و دومی از طرف «ثمر ثالث» در نمایشگاه کتاب امسال عرضه شده است. «روی دریا فقط یک قایق کاغذی مانده است» شامل ۵۸ شعر و «از بازی که در باریه» شامل ۴۸ شعر از احمدرضا احمدی هستند. کتاب نثر نیکا جنتی قبل هم مجموعه دفترهای وایسبن را از احمدرضا احمدی منتشر کرده بود. از شعرهای وایسبن را از احمدرضا احمدی منتشر کرده بود. از میان شعرهای وایسبن را از احمدرضا احمدی منتشر کرده بود. از میان شاعران نام‌آشنایی که اسال دفتر شعر تازه‌ای از آنها در نمایشگاه کتاب عرضه شده، یکی هم جواد مجابی است که از او مجموعه شعری با عنوان «سوار قطار فرار» از طرف نشر نیماژ منتشر شده است. «سوار قطار فرار» شامل ۳۸ شعر از مجموعه شعری منتشر کرده بود. از چاپ ناپایی نام‌آشنایی که اسال دفتر شعر تازه‌ای از آنها در نمایشگاه کتاب عرضه شده، یکی هم جواد مجابی است که از او مجموعه شعری با عنوان «سوار قطار فرار» از طرف نشر نیماژ منتشر شده است. «سوار قطار فرار» شامل ۳۸ شعر از مجموعه شعری منتشر کرده بود. از چاپ ناپایی نام‌آشنایی که اسال دفتر شعر تازه‌ای از آنها در نمایشگاه کتاب عرضه شده، یکی هم جواد مجابی است که از